



جریان‌شناسی عرفان ابن عربی
در ادب فارسی

مهدی حدادی

مقدمه: دکتر سیدحسین نصر

جریان‌شناسی عرفان ابن عربی در ادب فارسی

مهدی حیدری

عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

مقدمه: دکتر سید حسین نصر



انتشارات مولی

سرشناسه: حیدری مهدی، ۱۳۶۶-

Heidari, Mehdi

عنوان و نام پدیدآور: جریان‌شناسی عرفان ابن عربی در ادب فارسی-نهدی حیدری (با مقدمه سیدحسین نصر

مشخصات نشر: تهران، مولی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: بیست و ۷۳ ص

شابک: 978-600-339-090-4

یادداشت: کتاب حاضر در اصل پان نده وکتری مولف است

شناسه افزوده: نصر، سیدحسین، ۱۳۱۴ - مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: Nasr, Seyyed Hossein

وضعیت فهرست نویسی: فبا

موضوع: ابن عربی، محمدبن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ -- تأثیر

Influence -- Ibn al - Arabi

موضوع: ابن عربی، محمدبن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ -- عرفان

Ibn al Arabi -- Mysticism

موضوع: ابن عربی، محمدبن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ -- نقد و تفسیر

Criticism and interpretation -- Ibn al - Arabi

موضوع: ادبیات عرفانی فارسی -- تاریخ و نقد

Sufi literature, Persian-- History and criticism

موضوع: ادبیات فارسی -- تاریخ و نقد

Persian Literature -- History and criticism

رده بندی دیویی: ۲۸۰/۹۲۸

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/ع ۶۱/PIR۲۲۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۳۷۹۵



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب-چهارراه ابوریحان-شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳-۶۶۴۰۰۰۷۹-۶۶۴۰۰۰۷۹

وب سایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

جریان شناسی عرفان ابن عربی در ادب فارسی

مهدی حیدری • مقدمه: دکتر سید حسین نصر

چاپ اول: ۱۳۹۸ = ۱۴۴۰ • ۲۰۲ نسخه • $\frac{۲۹۸/۱}{۹۸}$

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۹۰-۴ ISBN: 978-600-339-090-4

طرح جلد: شادی میاندهی

حروفچینی: دریاچه کتاب • چاپ: دیدآور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی

۱۳۹۵ ♦♦♦♦♦ ویرال

فهرست مطالب

نه	مقدمه
سیزده	مقدمه دکتر نصر
۱	بخش اول: جریان‌شناسی ادب فارسی از آغاز تا ظهور ابن عربی
۱	۱. جریان‌های ادب عرفانی در ایران پیش از ابن عربی
۲	جریان عرفان معناگرای زاهدانه
۲	الف. ویژگی‌های فکری
۴	ب. ویژگی‌های زبانی و ادبی
۶	ج. جریان زهدگرای عملی
۷	د. جریان زهدگرای تعلیمی
۱۲	جریان عرفان معناگرای عاشقانه
۱۲	الف. ویژگی‌های فکری
۲۴	ب. ویژگی‌های زبانی و ادبی
۲۳	ج. جریان عشق‌گرای عملی
۳۴	د. جریان عشق‌گرای تعلیمی در حوزه نثر
۳۷	ه. جریان عشق‌گرای تعلیمی در حوزه شعر
۳۸	و. جریان عشق‌گرای فلسفی - تمثیلی
۴۳	جریان عرفان صورتگرا
۴۴	الف. ویژگی‌های فکری
۴۹	ب. ویژگی‌های زبانی ادبی
۵۴	۲. مکتب ابن عربی
۵۴	زمینه‌های پیدایش
۶۱	ویژگی‌های فکری و شهودی
۶۲	وحدت وجود
۷۳	حضرات خمس
۸۲	فیض اقدس و فیض مقدّس
۸۵	اعیان ثابته
۸۸	نظریه اسماء و صفات

شش جریان شناسی عرفان ابن عربی در ادب فارسی

۸۹	جبر و اختیار
۹۲	کلمه
۹۴	حقیقت محمدیه
۹۵	نیوت و ولایت
۹۷	انسان کامل
۹۸	قطب
۹۹	زن در نگاه ابن عربی
۱۰۱	ویژگی های زبانی و ادبی
۱۰۳	استدلال گرای شهودی
۱۰۶	رمزاندیشی
۱۱۳	تاویل
۱۱۷	ساختار قرآنی آثار ابن عربی
۱۲۰	اصطلاح پردازی
۱۲۳	استعاره پردازی
۱۴۸	نگاهی به پیامدهای ظهور مکتب ابن عربی
۱۵۵	بخش دوم: جریان شناسی ادب پارسی پس از ابن عربی
۱۵۵	۱. جریان عرفان معناگرای عاشقانه متأثر از مکتب ابن عربی
۱۶۰	اوحدالدین کرمانی
۱۸۳	فخرالدین عراقی
۱۸۶	عشق گرایی عراقی
۱۹۲	جمال پرستی عراقی
۱۹۶	عناصر عرفان محیی الدین در کلام عراقی
۲۴۷	امیر حسینی هروی
۲۶۱	اوحدی مراغه ای
۲۶۸	عناصر عرفان محیی الدینی در کلام اوحدی مراغه ای
۲۷۰	اصطلاحات وحدت وجودی
۲۷۲	استعارات وحدت وجودی
۲۸۸	۲. جریان استدلال گرای رمزاندیشی
۲۹۰	الف. شرح نویسان
۲۹۲	پیش از قونوی
۲۹۳	حلقه صدرالدین قونوی
۲۹۸	غنیف الدین تلمسانی
۳۰۰	مؤیدالدین جندی
۳۰۲	سعیدالدین فرغانی

۳۰۵	عبدالرزاق کاشانی
۳۱۱	داوود قیصری
۳۱۳	رکن‌الدین شیرازی
۳۱۹	خواجه محمد پارسا
۳۲۳	عبدالکریم جلیلی
۳۲۷	تاج‌الدین حسین خوارزمی
۳۳۴	صائن‌الدین ترکیه
۳۴۴	علالدوله سمنانی
۳۵۲	سیدحیدر آملی
۳۵۷	ب. ادبیان
۳۵۸	سعدالدین حمویه
۳۷۷	عزیزالدین نسفی
۳۹۹	شیخ محمود شبستری
۴۵۴	شمس مغربی
۴۹۷	۳. جریان صورت‌نگرای متأثر از مکتب ابن عربی
۴۹۸	خواجه‌جوی کرمانی
۵۱۵	سلمان ساوجی
۵۲۱	حافظ شیرازی
۵۲۲	شواهد تاریخی تأثیرپذیری حافظ از افکار ابن عربی
۵۵۸	مقایسه مضامین عاشقانه غزلیات حافظ با ترجمان الاشواق
۵۷۱	صائب تبریزی
۵۸۱	بیدل دهلوی
۵۸۸	۴. جریان تلفیق‌گرا
۵۹۰	شاه نعمت‌الله ولی
۶۲۱	شاه‌قاسم انوار
۶۳۰	شاه داعی شیرازی
۶۴۲	شیخ محمد لاهیجی
۶۵۲	عبدالرحمن جامی
	*
۷۰۵	منابع و مأخذ
۷۲۳	نام‌ها

مقدمه

عرفان گنجینه‌ای بی‌کران برای فرهنگ بشر است. بی‌شک این دستگاه ارزشمند در جغرافیا و تاریخ ایران ثمرات زیادی داشته که تمدن امروز به نتایج آن نیازی وافر دارد. عرفان اسلامی از آغاز تا به امروز تحولات زیادی را سپری کرده و ادوار مختلفی را پشت سر گذاشته است. در زمان‌های گوناگون، ظهور برخی اشخاص جریان‌ساز، موجب شکل‌گیری مکتب‌های متمایزی با مشخصات خاص خود شده که برخی از این مکاتب تأثیر گسترده‌ی مکانی و زمانی بر عارفان مسلمان در نواحی مختلف و قرون گوناگون برجای گذاشته است. یکی از مهم‌ترین این مکاتب، جریان عرفان ابن‌عربی است که از زمان ظهورش، تصوف اسلامی را تحت تأثیر قرار داد و همه‌ی جریان‌های پیشین را در مناطق اسلامی از جمله ایران تحت سیطره‌ی خویش گرفت. این مکتب، منسجم و در قالب زبان، ادب و فکری خاص در قرون متمادی و باز زیرشاخه‌های متفاوت به حیات خویش ادامه داده و ادیبان و عارفان معناگرا و صورتگرای ایرانی را به خود جذب کرده است.

با توجه به تأثیرپذیری برخی عارفان و ادیبان نامدار ایرانی از مکتب شیخ‌اکبر، بررسی و تحلیل عناصر عرفان محیی‌الدین در آثار هریک از آن‌ها به صورت مفصل ضروری است و با وجود چندین رساله‌ی منفرد در این باره، هنوز جای بررسی دقیق در آثار ادیبان وحدت‌وجودی در ادب فارسی خالی به نظر می‌رسد. با این همه، نیاز به ترسیم طرحی کلی و جریان‌شناسانه و منطبق بر اصول فکری و ادبی از همه‌ی مؤلفان وحدت‌وجودی در ادب فارسی احساس می‌شود؛ طرحی که در عین جامعیت، جزئیات استعارات و اصطلاحات عرفان محیی‌الدین و تحولات آن‌ها و هم‌چنین کیفیت ارتباط زیرشاخه‌های این جریان‌ها را با یکدیگر و با جریان اصلی بررسی کند.

هدف اصلی در این کتاب، ترسیم اصول و فراز و نشیب‌های مکتب ابن‌عربی در حوزهٔ زبان و ادبیات فارسی است. روایتی که حدود و ثغور، نقطهٔ ظهور، فراز و نشیب‌ها، چهره‌های اصلی و فرعی، اصول و زیرشاخه‌های این جریان مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد تا بتوان دربارهٔ بخش اعظمی از فرهنگ ایرانی اظهار نظر و ریشهٔ افکار آن‌ها را واکاوی کرد. این کتاب به دنبال نشان دادن ارتباط ابن‌عربی با هریک از شاعران و ادیبان ایرانی به صورت مستقل و منفرد نیست، بلکه درصدد آن است تا پیوستگی اعضای این مکتب را به عنوان یک جریان بررسی و عناصر مشترک و متفاوت آثار آن را تحلیل و سهم افکار ایرانی را در ابتکارات ادبی محیی‌الدینی مشخص کند.

این موضوع در حیطهٔ ادبی مورد نظر ما به صورت مفصل و جریان‌شناسانه، پیشینه‌ای ندارد، هرچند محققان برجسته‌ای جسته و گریخته به ایرانیان متأثر از مکتب ابن‌عربی اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال دکتر زرین‌کوب در دو کتاب «دنبالهٔ جستجو در تصوف ایران» و «ارزش میراث صوفیه»، دکتر شفیعی‌کدکنی در کتاب «زبان شعر در نثر صوفیه»، دکتر جهانگیری در بخش سوم از کتاب «محمی‌الدین ابن‌عربی»، دکتر نصر و ویلیام چیتیک در مقالات متعددی که پس از این بدان اشاره خواهیم کرد و نجیب‌مایل هروی در برخی مقدمات آثار ابن‌عربی، بدین موضوع پرداخته‌اند که در این کتاب از این آثار استفاده شده است.

در این جا مبحث ایرانیان متأثر از مکتب ابن‌عربی را به صورت سلسله‌وار، جریان‌شناسانه و به صورت گسترده مطرح و تغییر و تحوّل عناصر عرفان محیی‌الدینی با تفصیل بیشتر در آثار شاعران و نویسندگان پارسی‌زبان بررسی شده است. بررسی‌های پیش از این غالباً صبغهٔ تاریخی داشته و تنها آشنایی کوتاهی با اسامی برخی شاعران و ادیبان متأثر از افکار ابن‌عربی ارائه می‌کند.

بدنهٔ اصلی این پژوهش شامل دو بخش است. در بخش نخست، جریان‌های موجود در ادبیات عرفانی ایران پیش از ظهور ابن‌عربی و نیز چگونگی ظهور مکتب ابن‌عربی بررسی شده است. در بخش دوم جریان‌های موجود در ادب عرفانی ایران پس از ظهور ابن‌عربی مورد نظر است و تا زمان جامی پیش می‌رود که خود نقطه عطفی است.

چه بسا در مطالب فصلهای کتاب نوعی تکرار مشاهده شود اما از آنجا که هدف این نوشتار نشان دادن تحولات اصطلاحات و استعارات مکتب ابن عربی در ادبیات فارسی است، تحلیل نمونه‌های متفاوت و مشابه کاربرد این مفاهیم ناگزیر بوده‌ایم و دقت در این نمونه‌ها نتایج مهمی در چگونگی سیر عناصر عرفان محیی‌الدین در ادب فارسی دربر دارد.

کتاب پیش رو محصول ویرایش شده رساله دکتری مؤلف در دانشگاه تهران بوده که از سوی انتشارات مولی به طبع رسیده است. جا دارد در این مقدمه از استادانی که مرا در این پژوهش یاری کرده‌اند، تشکر کنم. لذا مراتب سپاس صمیمانه خود را از دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی، دکتر محسن جهانگیری، دکتر علی‌محمد مؤذنی، دکتر علیرضا حاجیان‌نژاد، دکتر محمدرضا ترکی، دکتر محمود خاتمی، دکتر تقی‌پور نامداریان، دکتر محمود عابدی، دکتر سیدمصطفی موسی‌راد، دکتر محمدحسین بیات، دکتر مسعود جعفری، دکتر داوود اسپرهم ابراز می‌کنم. از راهنمایی و توجه ویژه دکتر سیدحسین نصر نیز که شفاهاً و کتباً نکات مهمی را به بنده یادآور شدند، در این مجال قدر دانم، هم چنین از عوامل پرتلاش انتشارات مولی به ویژه مدیر محترم مجموعه، آقای حسین مفید که خود در تنقیح این کتاب کوشیده‌اند، کمال تشکر را دارم و برایشان آرزوی توفیق می‌کنم. امید است که خوانندگان محترم عیوب کتاب را به مؤلف گوشزد کنند.

فصول کتاب بر مبنای تقسیم‌بندی جریانهای ادب فارسی، به معناگرا و صورتگرا شکل گرفته و تحولات آنها ارزیابی شده است. از آغاز تاریخ، بشر در جستجوی راه‌حلی برای رفع شکاف ظاهر و باطن یا صورت و معنا بوده است. در جامعه ما نیز گرایش مقطعی به یکی از دو طیف صورت و معنا یا جمع میان آنها در شیوه‌های مختلف دیده می‌شود. می‌توان اظهار داشت که اگرچه تلاش جامی و همراهان او در جهت از بین بردن اختلاف مکاتب گذشته و جمع‌بندی تفکرات آنان در خور تقدیر است، اما این تلفیق‌گرایی شکاف میان صورت و معنا را به اعتدال نرسانده است. تلفیق میان عقل و شهود نیز در این دوران، موجب نوعی گسیختگی نظام فکری و به هم آمیختگی شده که وجوهی از خرافه‌گرایی و حتی جبراندیشی از دل آن تراوش

کرده است. تلاش برای رفع تمایز میان وحدت و کثرت و صورت و معنا تبدیل به نوعی آمیختگی قواعد صوری و معنوی شده؛ بدین معنا که نگاه شاعران و عارفان ایرانی از این دوره به بعد، اغلب، نگاهی وحدت‌گرایانه به عالم کثرت بوده؛ نگاهی که همه اختلافات قابل توجه در تکثرات را نادیده می‌گرفت و با قواعد عالم وحدت در عالم کثرت پیش می‌رفت.

از سوی دیگر اگر به جامعه‌تهی از معنویت امروز در جهان معاصر بنگریم، ضرورت این جمع‌گرایی راه میان صورت و معنا و کثرت و وحدت احساس می‌کنیم. امروز بشریت مدرن از غور کردن افراطی در عالم صورت و یا انزوای معناجویانه در عالم وحدت رنج می‌برد و ضرورت تلفیق عقل و شهود به شدت احساس می‌شود؛ تلفیقی که قواعد عالم معنا را در جای خود و قواعد عالم صورت را در موضع خود بنشانند و هیچ‌کدام را فدای دیگری نسازد. بشر امروز از تکنولوژی صورنگرایانه محض یا خردگرایی بی‌شهود صرف به تنگ آمده است؛ همان‌گونه که زمانی از وحدت‌گرایی صرف و انزواجویی راهبانه درمانده شده بود.

نیاز به جمع صورت و معنا و تلفیق وحدت و کثرت اساسی‌ترین نیاز جهان امروز است، اما نه تلفیقی که به عالم معنا با قواعد عالم صورت بنگرد و بخواهد با فرضیات تجربی و فیزیکالیستی خدا را اثبات کند و نه تلفیقی که به عالم صورت با قواعد عالم معنا بنگرد و در پی آن برآید تا همه کثرت عالم را نادیده بگیرد. بشر امروز به دنبال پیوندی میان صورت و معناست. که به اعتدال بینجامد؛ اعتدالی که نه از وحدت در عین کثرت غافل شود و نه از کثرت در عین وحدت؛ و رسیدن به چنین فضایی آرزوی نهایی همه انسانهاست.

هر

۸ در ماه ۱۳۹۲

خدمت دانشمند محترم دکتر محمد صیو در
بلاغه برعم کسالت رونق دادم بیگفتار کتاب ارزنده سرکاره بنام «فرمان
ارسال دارم. لطفاً در از کتاب «مقدمه دکتر حیدر ارسال دارد» دکتر صاحب نظر را در
سهم گرم تهیه و ارسال فرمایند.

والسلام

محمّد احمد

علم اعلیٰ برتری بود و حضرت ابی علی سینه است. انکار او معجزهها و عقده و جمعیتی در دستهای سنی ما تا سینه است و بسیارند
 است. هر که داشته باشد سنی ما خواندهای بود تا سینه تمام عرفانی شیخ البرکت است.
 باین هم که در تصدیق بر سینه گفت که کتابی چنین دقت در این لغوی در این کتاب که از وی است و در این کتاب
 که کلاس داشته است یا ممکن را با اسفار را می خواند و واقع چه چند تفکر مکتب عرفانی و بی عربی و روانه می کرد و متعجب است
 بعد در اکثر نقل عرفانی و فلسفی که در این در کتاب در این از او می آید است دیده می شود. امیدوارم این کتاب به دست
 امیر مکتب هم به نظر حقه ابی علی میریزد و هم به آن رسیده در اینی که کلام عرفان استون در این در سینه تا سینه است
 آنکه را در کتاب شده اند. کونین از کتب صورت یافته است هر چه در سینه است ساین می است به دلیل عرفان حکمت کسوف که از زده
 لغوی است مانند دایم

و ما اوستی الا بالله العلی العظیم

سید علی نصر

بسم الله الرحمن الرحيم

در طول هفت قرن اخیر مشرب عرفانی محیی‌الدین بن عربی و آثار و افکارش در مرکز حیات عرفانی و فلسفی ایرانیان قرار داشته است و هم‌طراز با مکتب مولانا و تصوف خراسان قلّه رفیعی در سرزمین فکری ما وارثان فرهنگ غنی ایران بوده و هست که نمای آن هر کجا که رویم هویدا است از اشعار کرمانی و عراقی گرفته تا آثار عارف عالیقدر معاصر حضرت آیت‌الله حسن‌زاده آملی. ابن عربی نه تنها وارث عرفای مغرب دارالاسلام مانند ابن‌العریف و ابن مسرّه بود، بلکه با افکار صوفیان بزرگ خراسان مانند بایزید و خرقانی و تستری و ابو‌حامد غزالی و عین‌القضاة و نیز نحل فلسفی از مکتب بوعلی گرفته تا فلسفه هرمسی و فیثاغوری اسلامی کاملاً مأنوس بود و تلفیقی عظیم از این هفت قرن تفکر صوفیانه و عرفانی و فلسفی قبل از خود به وجود آورد و مؤسس مکتب عرفان نظری در اسلام است. معاصرانی که از مقربان و شاگردان او بودند مانند اوحدالدین کرمانی و فخرالدین عراقی و مخصوصاً صدرالدین قونوی مکتب شیخ اکبر را در سرزمین پهناوری که قلمرو فرهنگ ایرانی و زبان فارسی بود اشاعه دادند و از همان قرن هفتم پس از وفات ابن عربی در دمشق، مکتب ابن عربی به سرعت در ایران رواج یافت. سرزمین ایران آنچنان زمینه مستعدی برای گسترش افکار ابن عربی بود که از تقریباً ۱۵۰ شرحی که بر شاهکار او «فصوص‌الحکم» نوشته شد ۱۲۰ شرح به قلم ایرانیان بود. برخی حتی مثنوی مولانا را «فتوحات» به شعر فارسی خوانده‌اند، گرچه مشرب مولانا و ابن عربی البته مرتبط ولی یکی نیست. شارحان اولیه ابن عربی مانند صدرالدین قونوی و عبدالرزاق کاشانی

و داود قیصری اکثراً متعلق به حوزه فرهنگی ایرانی بودند و این سنت ادامه یافته است تا دوره معاصر، چنانکه در آثار علامه سیدمحمدکاظم عصار و علامه طباطبائی و آیه‌الله حسن‌زاده آملی و آیه‌الله جوادی آملی و دکترابراهیمی دینانی و دکتر محسن جهانگیری و دکتر غلامرضا اعوانی و دیگر ناموران در زمینه عرفان دیده می‌شود.

نفوذ ابن‌عربی و مکتب او را می‌توان در چهار مکتب تفکر در ایران مشاهده کرد: اول - عرفان نظری چنانکه در آثار عبدالکریم جیلی و عزیزالدین نسفی و ابن‌ترکه اصفهانی و دشتکی‌ها و جامی و نزدیک‌تر به عصر خودمان آقامحمدرضا قمشهای دیده می‌شود.

دوم - عرفان شیعی به معنای خاص آن که با سیدحیدر آملی و ادغام نظریات ابن‌عربی در معارف شیعی شروع می‌شود و به معنای ولایت که ابن‌عربی از آن بسیار سخن می‌گوید رنگ خاص شیعی می‌بخشد.

سوم - فلسفه و حکمت اسلامی که دخول آن در فلسفه با صدرالدین و غیاث‌الدین دشتکی و ابن‌ترکه آغاز می‌شود و با ملاصدرا به اوج خود می‌رسد.

چهارم - شعر عرفانی فارسی شعرائی مانند فخرالدین عراقی و شمس‌الدین مغربی و محمود شبستری و عبدالرحمن جامی و در دوران بعدی هاتف اصفهانی و خود آقامحمدرضا قمشهای. گلشن راز شبستری در واقع بیانی با اشعاری آسمانی از اصول عرفان است چنانکه ابن‌عربی آنرا تبیین کرد.

به هر گوشه از فرهنگ معنوی و حکمی ایران از قرن هفتم به بعد که بنگریم نفوذ ابن‌عربی و مکتب او مشهود است، مخصوصاً بیان او از وحدت وجود و انسان کامل و نگاه به عالم به عنوان تجلیات حق تعالی و تفاسیر باطنی و عرفانی از قرآن کریم. هر کجا عرفان به صورت علم اعلی تدریس می‌شود حضور ابن‌عربی مشهود است. افکار او مخصوصاً وحدت وجود حتی در موسیقی سنتی ما تأثیر داشته است و بسیاری از اشعاری که با دستگاه‌های سنتی ما خوانده می‌شود متأثر از تعالیم عرفانی شیخ اکبر است.

باید به آقای دکتر حیدری تبریک گفت که کتابی چنین دقیق درباره نفوذ ابن‌عربی

مقدمه دکتر نصر نوزده

در ایران تهیه کرده‌اند و این امر را روشن کرده‌اند که هر کس اشعة اللمعات یا گلشن راز یا اسفار را می‌خواند در واقع با حضور تفکر مکتب عرفانی ابن عربی مواجه می‌شود و شعاع اندیشه او را در اکثر نحل عرفانی و فلسفی که در ایران در قرون بعد از او پدید آمده است دیده می‌شود. امیدوارم این کتاب باعث شود افراد بیشتری هم به تفکر خود ابن عربی بپردازند و هم به آثار متعدد بدیعی که حکما و عرفای ایران در قرون بعدی تحت تأثیر آثار و افکار او نگاشته‌اند. توفیق آقای دکتر حیدری را در خدمت هر چه بیشتر به شناساندن میراث بی‌بدیل عرفان و حکمت کشورمان از درگاه احدیت مسألت دارم.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

سیدحسین نصر

بخش اوّل

جریان‌شناسی ادب فارسی از آغاز تا ظهور ابن عربی



جریان‌های ادب عرفانی در ایران پیش از ابن عربی

سرچشمه‌های تصوف ایرانی را می‌توان در آیین‌های پیش از اسلام جستجو کرد. چنانکه آیین‌های مانوی، بودایی، مسیحیت، هندوئیسم و زرتشتی بر تصوف ایرانی تأثیر گذاشته است، اما منشأ اسلامی تصوف بر کسی پوشیده نیست^۱. سلمی اظهار کرده که نخستین نشانه‌های تصوف بر پایه برخی آیات و روایات و سیره صحابه شکل گرفته است^۲. سواى کتب ارزشمند درباره سرچشمه‌های تصوف در ایران^۳ بحث از سرچشمه‌های تصوف در ایران را می‌توان در کتب ارزشمندی پی گرفت. در این نوشتار جریان‌های عرفانی را در ادبیات فارسی پس از اسلام تا ظهور ابن عربی در دو گروه کلی معناگرا و صورتگرا بررسی خواهیم کرد که گروه اوّل، خود شامل دو زیرشاخه بزرگ و مهم است. جریان معناگرای عرفانی که غالب عارفان و متصوفه ایرانی را در برمی‌گیرد، در ایران پیش از ابن عربی، به دو گروه کلی زهدگرا و عشق‌گرا

۱. رک نیکلسون، ۱۳۸۸ش: ۳۰؛ همان، ۱۳۷۱ق: ۳؛ بدوی، ۱۳۸۹ش: ۷۸

۲. رک سلمی، ۱۳۸۸ش، ج: ۳، ۱۳۰

۳. رک: نیکلسون، ۱۳۸۸ش: ۳۰-۴۱؛ بدوی، ۱۳۸۹ش: ۷۸-۸۶؛ شیمل، ۱۳۸۴ش: ۵۹، ۷۱

۷۵؛ نفیسی، ۱۳۸۸ش: ۹-۷۶؛ زرین کوب، ۱۳۸۵ش: ۳-۲۹؛ شفیمی کدکنی، ۱۳۸۷ش: ۱۷

تقسیم می‌شود. لازم به ذکر است که به سبب توجه به تقسیم‌بندی فکری و نظری مکاتب، همه جریان‌های اجتماعی و خانقاهی فارغ از گرایش به فرقه‌ای خاص یا جغرافیایی ویژه، ذیل همین تقسیم‌بندی نظری آمده است.

جریان عرفان معناگرایی زاهدانه

الف. ویژگی‌های فکری

پند اخلاقی: در شاخه معناگرایی عرفانی، اولین جریانی که ظهور و بروز پیدا می‌کند، جریان عرفان زاهدانه است. آثار بسیاری از نامبرداران این جریان، مشحون از نصایح اخلاقی است، گاه به صورت نظری و گاه در قالب حکایات و اقوال پیشینیان. محمد غزالی در احیاء علوم و کیمیای سعادت، طریق عرضه اخلاق علمی را پیش گرفته و عنوان چهار ربع کتاب او (عبادات، معاملات، مهلکات و منجیات) مؤید همین معنی است. وی درباره صفات مثبت (نظیر توبه و شکر) و صفات منفی (نظیر کبر و ریا) به طور مفصل توضیح داده؛ چنانکه درباره خوی نیک نوشته است:

بدان که درباره حقیقت خوی نیکو سخن بسیار گفته‌اند. یکی می‌گوید خوی نیکو، روی گشاده داشتن است، یکی می‌گوید رنج مردمان کشیدن است، یکی می‌گوید بدی را مکافات ناکردن است... زیبایی پیکر را حسن خلق و نیکی باطن را حسن خلق می‌گویند.^۱

او در آثار خویش، مفهوم زهد واقعی را شناسانده و از «زهد در زهد» سخن به میان آورده است: «کسی که در زهد نیز زاهد است، یعنی که زهد خود را ننگرد»^۲.

علاوه بر این، در تذکرة‌های منسوب به این جریان نظیر طبقات الصوفیه و حلیة الاولیا، حکایات اخلاقی در قالب تمثیل عرضه گشته و ذکر احوال و اقوال صوفیان پیشین، دستاویزی جهت ارائه تفکرات زاهدانه قرار گرفته است. به عنوان مثال سلمی بسیاری از صفات اخلاقی ملامتی‌گونه را به صوفیان نخستین نسبت داده و به افعال ایشان استناد کرده است. وی نپرداختن به کسب، گشاده‌رویی نکردن برای دنیاداران و عدم مجالست با آن‌ها، نرم‌خویی با عوام و تکلم نکردن بر مردم را از

۱. غزالی، محمد، ۱۳۸۱ش: ۱۲۰ و ۱۶۹. ۲. غزالی، ۱۳۸۱: ۱۶۹.

جمله ویژگی‌های فقرا دانسته است.^۱ سلمی هم چنین ترک اشتها به صلاح و حبّ خمول را از جمله آداب صوفیان برشمرده و حتی زهد صحیح را زهد در حلال پنداشته و در این باره از ابوحفص حداد نقل کرده است که: «الزهد لا یکون آلباً فی الحلال و لا حلال فی الدنیا ففی ای شیء یزهد؟»^۲

ابونعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء نامه‌های حسن بصری به عمر بن عبدالعزیز را جهت تأکید بر زهدگرایی نقل کرده که در غالب آن‌ها حسن، عمر را پند داده است: «فاحذر هذه الدار الصارعة الخادعة الخاتلة التي تزینت بخدعها و غرّت بفرورها و قتلت اهلها بأملها فأصبحت كالعروس المجلوه... فاتها مثل الحیة لیّن مسّها و ستمها یقتل فأعرض عما یُعجبک لقلّه ما یصحبک منها. فانظر إليها نظر الزاهد المفارق و لا تنتظر نظر العاشق الوامق».^۳

این نوع آثار را می‌توان سر دلبران در حدیث دیگران دانست، زیرا بسیاری از این اقوال و افعال که از صوفیان نخستین روایت شده، گونه‌ای زمینه‌سازی برای معرفی الگوهای اخلاقی به جامعه بوده است.

عزت‌گرایی: از دیگر ویژگی‌های فکری این جریان تأکید بر کناره‌گیری از دنیا و حتی گاه امور اجتماعی است. دنیاگریزی صوفیان منسوب به این جریان کاملاً در آثارشان قابل ملاحظه است؛ چنانکه محاسبی، کلابادی، مکی و ... با اشاره به زهد و دنیاگریزی صحابه صدر اسلام و صوفیان نخستین، همگان را به تبعیت از آنان فراخوانده‌اند. محاسبی در کتاب «المسائل فی اعمال القلوب و الجوارح» بحثی ممتع در مورد چگونگی کناره‌گیری از دنیاداران مطرح ساخته است.^۴ البته وی سعی کرده زهدی میانه پیشه کند؛ به عنوان مثال او بر خلاف برخی از صوفیه، اعتقادی به زهد در حلال نداشته^۵ و ترک مجالست با مردم را جایز نمی‌دانسته است.^۶ کلابادی در کتاب التّعرف از زهد فراوان صوفیه سخن گفته؛ چنانکه آنان را قومی دانسته است

۱. سلمی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۵-۶۰ و ۴۷۹-۴۸۰.

۲. سلمی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۷۹-۴۸۰.

۳. ابونعیم اصفهانی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۱۳۴-۱۳۶.

۴. محاسبی، ۱۹۶۹م: ۲۰۶، ۴۳ و ۳۲۲.

۵. محاسبی، ۱۹۶۹: ۴۳.

۶. محاسبی، بی‌تا: ۳۲۲.

که ترک وطن و احبّا می‌کنند و در سرزمین‌ها می‌گردند؛ گرسنه و برهنه‌اند و در بادیه‌ها و غارها سکنی می‌گزینند.^۱

ابوطالب مکی با مالکیت مخالفت کرده است و از قول ابن‌مسعود آورده که «لا تتخذوا الضیعه فترغبوا فی الدنیا». وی هم‌چنین سلامت را در دوری از مردم دانسته و نوشته است: «و منهم من ترک الجماعات و کان منهم من تبوأ الجبانات و فارق الامصار و الاخوان و کان بعضهم یتبأ الجبال فقد انشدت لبعضهم فی معناه: الناس بحرٌ عمیق البعد منهم سلامه»^۲.

چنانکه می‌بینیم دوری از دنیا و ملک دنیا و حتی صاحبان دنیا در اندیشه صوفیان این جریان به سبب روحیه زهدگرایی، بسیار برجسته و پررنگ است.

دسته‌بندی‌احوال و مقامات و منازل عرفانی در اصطلاحات کلامی: در قسمت ویژگی‌های زبانی درباره این موضوع سخن خواهیم گفت، فقط ذکر این مطلب خالی از لطف نیست که یکی از مباحث فکری رایج در این جریان، بحث قدیم یا حادث بودن قرآن است که مایه مناقشات فراوان و حتی خونریزی در قرون اولیه اسلامی بوده است؛ چنانکه مستملی بخاری با اشاره به مناقشه میان اشاعره و معتزله در این موضوع می‌نویسد: «اجماع است این طایفه را که قرآن کلام خدای است به حقیقت و این مسئله ایست مختلف میان ما و میان معتزله لعنهم الله. به نزدیک ما قرآن کلام خدای است ازلی قدیم، و صفت اوست، هرگز نبود که نامتکلم بود»^۳.

در حقیقت طبقه‌بندی اصطلاحات بدین‌گونه، از زمان ایجاد سنت تألیف به تبعیت از علوم دیگر نظیر فقه و کلام، در میان صوفیان نخستین رواج یافت و علاوه بر اصطلاحات احوال و مقامات، بسیاری از مباحث کلامی در لابه‌لای موضوعات عرفانی گنجانده شد.

ب. ویژگی‌های زبانی و ادبی

به‌کارگیری واژگان عربی و اصطلاحات کلامی: از آن‌جا که منابع اغلب کتاب‌های این

۱. رک کلابادی، ۱۳۸۰ق: ۲۱.

۲. مکی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۷۲۶، و ج ۳: ۱۱۱۳-۱۱۱۴.

۳. مستملی بخاری، ۱۳۶۳ش: ۳۴۴.